



دانشگاههای ایران

مجلس رستاخیزی نخواهند شد

از ۸ تا ۱۳ شهریور در شهر رامسر هشتمین کنفرانس "ارزیابی انقلاب آموزشی" برگزار شد.

این کنفرانس از این جهت اهمیت داشت که شاه پس از پایه گذاری حزب فاشیستی "رستاخیز" اش دست بکار مستولی ساختن هنجارهای فاشیستی بر آموزش کشور و بویژه آموزش دانشگاهی شد.

رژیم ناشی از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد از هنگام به قدرت رسیدن خود از هیچ اقدامی باز نماند و از حبس و شکنجه گرفته تا تبعید و اعدام برای سرکوب کردن مبارزات دانشجویان خود داری نکرد. علی‌رغم کلیه تدابیر رژیم دانشجویان مبارزه و فادار به پیمان خود با خلق مهرچم مبارزه را افراشته نگه داشتند و در سال گذشته ما شاهد اعتلای جدیدی از مبارزات توده‌ای دانشجویان دانشگاههای ایران بودیم.

این مبارزات مورد خشم حیوانی شاه و دیگر "رستاخیزیان" کمر بسته در کنفرانس رامسر بود. شاه در این مورد خشمگین چنین اظهار داشت:

"در این مملکت چطور ممکن است که در یک کنفرانس آموزشی بنده ما گزارش بدهند که در دانشگاههای ایران و یا بعضی اوقات بیشتر و یا بعضی اوقات کمتر تعداد روزهای تحصیلی به یک پورسانتاز خیلی عجیب و در عین حال مسخره و غیر قابل تحمل رسیده است که ساعتی که درس داده شده و در درس خوانده شده به یک میزان غیر قابل

قبولی رسیده است" (کیهان ۹ شهریور ۱۳۵۴).

مشاهده می‌کنید که شاه مبارزه دانشجویان را "تغیر قابل تحمل" و "خیلی عجیب" می‌داند. ناراحتی او علت دارد. زیرا نه فقط در یک یا چند دانشگاه بلکه "در دانشگاه‌های ایران" اعتصابات و اعتراضات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی در سطح و عمق رشد یافته است.

شاه به علت محدودیت افق دید طبقاتی اش نمی‌تواند و نمی‌خواهد علل مبارزات دانشجویان را درک کند. عمده‌ترین این علل عبارتند از: شیوه فاشیستی حاکم بر کشور، سلطه ساواک، مغارت منابع و حاصل دسترنج زحمتکشان کشور توسط امپریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیسم امریکا، سیاست نظامیگری افسارگسیخته رژیم، موضع تابسانام اقتصاد دی رژیم، تورم، فقر، بیکاری و غیره.

او می‌خواهد آموزش آشفته کشور را همانند تورم به ضرب چماق بزرگه حل کند. شاه در نطق افتتاحیه خود استادان و دانشیاران دانشگاه‌ها را نیز به همکاری در راه فاشیزه کردن مطلق محیط دانشگاه‌ها فرا خواند و گستاخانه و بی‌پرده آنها را تهدید نمود که هرگاه از "منویاتش" پیروی نکنند آنان را مجازات خواهد کرد.

پشتیبانی کادر آموزشی دانشگاه‌ها از خواسته‌های عادلانه دانشجویان واقعیت دیگری است که چون خاری زهرآگین در چشم شاه فرو میرود و او را آزار می‌دهد. بهمین علت نیز گفت "پس چطور ممکن است در این اجتماع فردی پیدا بشود که بخوش اجازة بدهد و جرئت بدهد که دو تا کلمه ضد میهنی اظهار کند و چطور یک عده ناظر اینکارها هستند" (کیهان شماره ۹ شهریور).

بطور یقین دانشجویان و کادر آموزشی مرفی دانشگاه‌ها علیرغم تهدید شاه که گفت "همانطور که در روز اول تاسیس حزب گفتم، کسی که مسئول نیست (یعنی فاشیست نیست - آرمان) از این دستگاه نباید انتظاری داشته باشد و اگر هم دوست ندارد ۰۰۰۰ پاسپورت مجانی در اختیارش می‌گذاریم تا برود به جهنم" (کیهان ۹ شهریور) با تشدید مبارزات و تحکیم صفوف خود به یاره گویی‌های شاه جواب مناسب را خواهند داد.

دانشگاهیان در این رهگذر از حمایت خلق مستظهرند و بطور یقین آنروز فرا خواهد رسید که دانشگاه در ایرانی آزاد و آباد و مستقل نقش ارزنده خود را بسمتایه پرچم دار پیشرفت علم و فرهنگ در جهت منافع خلق ایفا کند.

گسترده و پیروز باد

مبارزات دانشجویان دانشگاه‌های ایران

اعلامیه

دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

درباره خونریزی های اخیر فاشیسم اسپانیا

فاشیسم اسپانیا برای حفظ حکومت محکوم به فناء خود

خون میریزد

در صبحگاه ۱۹۷۵/۹/۲۷ علیرغم اعتراضات وسیع بین المللی برای نجات جان آنگول و خوزه هوبرتو و رامون مخوزه لوئیز و خوان پاروس، پنج میهن پرست باسکی فرانکوی فاشیست دستور اجرای حکم اعدام آنها را بشرمانه صادر کرد و باردیگر خود را در انفراد بین المللی قرار داد.

فرانکوی اسپانیا و محمد رضا شاه ایران دو روی یک سکه رنگ و رو باخته فاشیسم اند. همانطور که در این اواخر ۲۲۱ حکم اعدام و ترور خیابانی مبارزین انقلابی بدستور شاه جنایت پیشه انجام گرفته و همینطور متحد با لفظه شاه یعنی فرانکو، حفظ پایه کثافت لوزان حکومت خویش را در ترور و آدمکشی میبیند.

اسپانیا مانند ایران تاریخ خونین و پیکارجویی دارد. روز ۲۹ مارس ۱۹۳۹ در نزد مردم اسپانیا مانند روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روز سیاهی است. روز ۲۹ مارس ۱۹۳۹ جمهوری جوان برگزیده اسپانیا بوسیله ارتش مداخله جوی فاشیسم هیتلری و موسولینی ایتالیا سرنگون شد. ابر سیاهی بهار زیبای اسپانیا را که با جوانه های سوسیالیسم رو به شادی میرفت فراگرفت. بساط دیکتاتوری فاشیستی فرانکو بکمک دو رژیم درنده آلمان هیتلری و ایتالیا موسولینی گسترده شد. مردم قهرمان اسپانیا از دستاورد انقلاب خود صمیمانه و قاطعانه به دفاع برخاستند و در این مبارزه نیروهای ضد فاشیست جهان در کنار همزمان اسپانیائی خود متحد شدند. یک طرف ارتش درنده فاشیسم و در طرف دیگر همبستگی بین المللی خلق های جهان در بریگارد بین المللی در نبرد بودند. ۲۵۰۰۰۰ انترناسیونالیست و ضد فاشیست در بریگارد بین المللی برای حفظ جمهوری جوان اسپانیا پیکار میکردند.

متأسفانه در آن زمان اوضاع جهان شکل دیگری داشت. اتحاد شوروی در صحنه بین المللی تنها کشور سوسیالیستی خود در معرض تهدید فاشیسم هیتلری قرار داشت. کمک های آنروز اتحاد شوروی به مبارزین اسپانیا در مقابل فاشیسم تا دندان مسلح آلمان و ایتالیا چنان کارائی نداشت که بتواند جمهوری جوان اسپانیا را نجات

دهد . نام اسپانیا به شعار همبستگی بین المللی در صحنه نبرد طبقاتی تبدیل شد . مبارزه علیه فرانکو نه تنها خاموش نشد ، بلکه هرروز شکل متشککتری بخود گرفت . مرگ رژیم فرانکو همانند جسد نیمهجان خود او ، فرارسیده است . نیروهای ضد فاشیست اسپانیا در جبهه متحد ضد فاشیستی اسپانیا پیکار میکنند . باید هرآن منتظرخبر پیروزی خلقهای اسپانیا علیه رژیم فرانکو بود .
 زنده باد همبستگی بین المللی خلقهای جهان

روز ۲ اکتبر ۱۹۷۵ ، روز همبستگی بین المللی با مردم مبارز اسپانیا بود . هن جوانان و دانشجویان دمکرات و ضد فاشیست ایران ، با تمام دمکرات ها و آزادیخواهان جهان همگام شدند و از جمله در متینگ عظیمی که در برلن غربی بخاطر پشتیبانی از مبارزه مردم اسپانیا تشکیل شد ، شرکت کردند و بدینوسیله توانستند صدای حق - طلبانه مردم ایران را که در زیر سلطه رژیم محمدرضا شاه امکان نشان دادن همبستگی علنی با مبارزین اسپانیا را ندارند بگوش جهانیان برسانند .
 جوانان و دانشجویان دمکرات و ضد فاشیست ایرانی این شعار را باخود حمل میکنند " فرانکو ، شاه ، پینو شه - دیکتاتورها باید سرنسگون شوند "

Franco, Schah, Pinochet ; Die Diktatoren müssen weg !



بمناسبت دومین سالروز قتل
 سالوادور آلنده

دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان
 دمکرات ایران نامه زیر را برای سی مین دوره اجلاس
 عمومی سازمان ملل متحد ارسال داشت .

مانیفست خطاب به سازمان ملل متحد

دو سال از تاریخی که خونتای نظامی شیلی دست به سرکوبی جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق شیلی زده میگردد .
 از روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ که سالوادور آلنده به قتل رسید تا کنون ده ها هزار نفر از مردم شیلی ازبای درآمد اند . خونتای نظامی ، حقوق بشر و مئون بشری را در این کشور لگد مال میکند .
 خونتای نظامیان شیلی به قطعنامه ۳۲۱۹ بیست و نهمین اجلاس عمومی سازمان ملل

متحد و قیاحانه بی اعتنائی میکند . منشور سازمان ملل را گستاخانه زیر پا مینهد ، رژیم ترور و اختناق شیلی به اعلامیه جهانی حقوق بشر که شیلی نیز آنرا امضاء کرده و اجرای آنرا متعهد گشته است ، پوزخند میزند .

ما ضمن ابراز نگرانی شدید به سرنوشته عدّه کثیری از مردم شیلی ، از دبیرکل سازمان ملل متحد و سی مین اجلاس عمومی این سازمان مصلحتاً میطلبیم که برای کمک به اجرای حقوق بشر و استقرار مجدد آزادی های دموکراتیک در شیلی دست به اقدامات و تدابیر مشخص و موثری بزند .

سازمان ملل متحد برای حفظ حیثیت خود موظف است اقدامات مجدانه جهت تحقق قطعنامه ۳۲۱۹ که در نوامبر ۱۹۷۴ به تصویب بیست و نهمین اجلاس عمومی آن سازمان رسیده است بزند .

ما خواستار آنیم که به وضع غیر عادی در شیلی خاتمه داده شود ، اعمال شکنجه در آن کشور متوقف گردد و کلیه بازداشتگاههای مرگ برجیده شود .
ما انتظار داریم که اجلاس عمومی سازمان ملل متحد برای آزادی کلیه مخالفان رژیم آزادی لوئی کوروالان و کارلوس لورکا و تمام زندانیان سیاسی شیلی بعمل آورد .
نماینده گی خلق شیلی در سازمان ملل متحد با از رژیم خونخوار سلب گردد ، زیرا :
— این رژیم جنبش دموکراتیک خلق شیلی را بخون کشیده و آنرا سرکوب کرده و
— تقریباً تمام قشر های خلق شیلی بوضع از پشتیبانی سیاسی و اخلاقی این رژیم خودداری میکنند و آنرا به انزوای مطلق محکوم کرده اند .

نیفت
ما از کلیه دولت دموکرات عضو سازمان ملل متحد می طلبیم که در تأیید عمل این ما گام های موثری علیه رژیم کودتا در شیلی بردارند .

دبیرخانه سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران مطمئن است که این خواست مورد تأیید کامل تمام دانشجویان میهن پرست ایران و نه تنها آنها بلکه کلیه کسانی است که در تحت رژیم ترور ششاه امکان ابراز عقیده آزاد و همدردی انترناسیونالیستی با خلق شیلی را ندارند .

دبیرخانه خازجی

سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران

تلگرام زیر توسط دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به رئیس فستیوال بین المللی رقص در ونیز (ایتالیا) مخابره شده است :

آقای محترم !
 سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بدینوسیله مراتب سپاسگزاری و قدردانی خود را از کمک های سودمند شما در اخراج دارودسته زورخانه شعبان جعفری و سردستانان ساواکی آنها از ایتالیا ابراز میدارد .
 امیدواریم در آینده نیز همکاری های ما در پیکار ضد فاشیستی ادامه یابد .



سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران طی تلگرامی به نخست وزیر بحرین به بازدید هیئت پرستان بحرین شدیداً اعتراض کرده و آزادی فوری آنان را خواستار شده است .

نفرین

نفرین به تیرگی !
 نفرین بروح تیره دیو سیاه کار !
 نفرین به شب !
 نفرین بر آن کتام تو ای بوم لاشخوار
 من با تو دشمنم
 من با تو و نظام سیاه تو دشمنم
 نفرین بدزد شب
 نفرین براه دوزخی رهنرزان شب
 کاندرا پناه شب
 خونهای پاک ریخت بدست سیاه شب
 زان تاشب است و تو
 ای رهنرزان سیاه دل هاهریمن پلید !
 من با تو دشمنم
 من با تو و نظام سیاه تو دشمنم

مبارزه برای آزادی دانشجویان

همانطور که آرمان در شماره ۲ سال اول خیر مبارزات افشاگرانه و ضد رژیم دانشجوین مقیم اندستان در رابطه با کشتار ۹ تن زندانی گروه جزئی و رفقای نشر انتشار داد، این دانشجویان مبارز و میهن پرست از طرف پلیس آن کشور دستگیر و پس از یک هفته باز داشت با پرداخت ضمانت از زندان آزاد گشتند. دادگاه این دانشجویان مبارز در اواسط ماه نوامبر تشکیل خواهد شد.

بخاطر تجهیز افکار عمومی برای دفاع از این مبارزین و در عین حال افشای گری رژیم فاشیستی شاه آرمان قسمتهای مهم مقاله ای را که در عین حال فراخوانی جهت اقدام دفاعی میباشد و در هفته نامه "تربون" نشریه وابسته به جناح چپ حزب کارگر انگستان مورخ ۱۲ سپتامبر ۷۵ انتشار یافته، میآورد.

زیر عنوان "مبارزه برای آزادی دانشجویان" تربون چنین مینویسد:

"۲۱ دانشجوی ایرانی با اتهام توطئه علیه حرم امنیت سفارت اینک در انتظار محاکمه خود هستند. آنها روز ۲۹ آوریل طی یک تظاهرات مسالمت جویانه وارد سفارت ایران شدند ولی از طرف پلیس مسلح بازداشت گشتند. تحصن آنها در سفارتخانه بمنظور اعتراض به قتل ۹ تن از زندانیان سیاسی برجسته ایرانی در زندانهای شاه ایران بود. در مورد این ۹ تن منابع ایرانی ادعا میکنند که این عده به هنگام فرار از زندان بقتل رسیده اند ولی دلایل کافی در دست است که نشان میدهد آنها را در زیر شکنجه کشته اند. ساواک باین منظور آنها را شکنجه داد که ایشان را وادار شان کند تا بسود حزب رستاکخیز که هر ایرانی مجبور به عضویت در آن میباشد حرف بزنند."

اما نسبت به این ۲۱ تن دانشجوی ایرانی که در انگلستان دستگیر شده اند شدت عمل زیادی اعمال شده است. پلیس بخانه آنها ریخته، اسناد و مدارک آنها را ربوده، کتابهای آنها را با خود برده و خود آنها را بزندان کشانیده است. تا یک هفته پلیس حاضر نشد آنها را تحت ضمانت و یا وجه ضامن آزاد کند. پس از یک هفته با وجه ضامن ۵۰۰ لیره ای برای هر یک آنها را آزاد کرد."

نشریه معتبر و پرنفوذ سپس مینویسد: "این عمل و اتهامیکه بر آنها وارد شده و عنوانی که برای این اتهام تراشیده اند نشان میدهد که دولت بریتانیا با رژیم ایران همکاری میکند تا مخالفان آنها در این کشور سرکوبی نماید. بعلاوه اکنون همه کس میدانند که پلیس مخفی ایران ساواک که هم اینک تعداد ۴۵۰۰۰ نفر را به بند و زندان کشانیده و بعلت شکنجه زندانیان سیاسی شهرت نفرت انگیزی یافته است، اجازه دارد که در کشور بریتانیا آزادانه فعالیت کند و ایرانیان را اعم از دانشجو و غیر دانشجو مرعوب نماید. دولت کارگری انگلستان چنین همکاری را پذیرفته است."

نشریه تریبون چنین ادامه می‌دهد: "پس از اقصاء یبلی از اعضا ساواک در لندن به توسط روزنامه ساندی تایمز مورخ ۱۲ ماه مه ۱۹۷۴ آقای استاند نیوز نماینده لیبرست در پارلمان از دولت توضیح خواست و نماینده دولت جواب داد: "هیچ اتفاق غیر عادی رخ نداده است". علت همکاری اولیا دولت بریتانیا با دیکتاتور شاه آنست که شاه متحد عمده غرب و محافظ منافع سنگت امپریالیستها در خلیج فارس است. دولت کارگری انگلستان هم اکنون مقادیر هنگفتی اسلحه در دسترس این رژیم قرار می‌دهد و به آن مجال می‌دهد تا مخالفین خود را در کشور ما خفه کند. اتهام ترحمه علیه حریم امنیت به این ۲۱ دانشجو خود علامت تجا و به حقوق مدنی در انگلستان است. در بین انواع توطئه‌ها این اتهام از بدترین و بد نام‌ترین آنهاست، زیرا این اتهام مجازاتی در پی دارد که تا زندان ابد بالا میرود."

تریبون سپس می‌افزاید: "اینک با بتکار فدراسیون دانشجویان ایرانی کمیته ای برای دفاع از این دانشجویان تشکیل شده که هدف عاجل آن تبرئه این دانشجویان از این اتهام سنگین است، ولی هدف دراز مدت آن مبارزه برای زندانیان سیاسی و افراد اوپوزیسیون است. این کمیته مورد پشتیبانی سازمانهای چندی واقع شده و همچنین یک گروه ۸ نفری از نمایندگان حزب کارگر در پارلمان ترا تأیید کرده اند و نامه سردشاه ای که برای آزادی این ۲۱ نفر نوشته شده امضا کرده اند."

محاكمه این عده در اواسط ماه نوامبر آغاز میشود و اگر محکوم شوند در این کشور زندانی خواهند شد و یا بدتر از آن احتمال دارد که بایران تحویل داده شوند که در آنجا شکنجه و مرگ در انتظار آنهاست. تنها مبارزه وسیع و با شرکت نهضت کارگری میتواند آنها را از چنین سرنوشتی نجات دهد. موفقیت در این راه خود زمینه ایست برای پایان دادن به دساتر قانونی و پایان به همکاری دولت کارگری انگلستان با رژیم شاه."

هفته نامه در خاتمه مینویسد: "خوانندگان میتوانند با طرح موضوع در اتحادیه‌ها و سندیکا ساری مربوطه خود و تصویب قطعنامه‌ها در پشتیبانی از این زندانیان، دعوت سخنگویان به ابراز خطابه و فرستادن نامه اعتراضیه به وزارت کشور انگلستان و جمع کردن اعانه برای ادامه مبارزه به این نبرد کمک کنند."

اتحاد، مبارزه، پیروزی

سیاست نظامیگری رژیم شاه محکوم به شکست است

نضج مجدد نهضت ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی خلق های کشور ماه اوج بیسابقه جنبش های نجات بخش ملی در حوزه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه و تغییر تناسب قوا بسود صلح و سوسیالیسم نیروهای جنگ و امپریالیسم، هیئت حاکمه ایران را فوق العاده نگران ساخته است. درک صحیح علل سیاست نظامیگری افسار گسیخته محمد رضا شاه فقط در رابطه با این روند ها امکان پذیر میباشد.

امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا که تحت تاثیر پیروزی های جنبش های آزاد یی بخش خلق ها دایره تاثیر و نفوذش در دهه اخیر بحقیق قابل توجهی کاهش یافته است، اجبارا وظیفه حفاظت منافع غارتگرانه خود را در مناطق مختلف جهان به رژیم های سرسپرد و متعهدی از زمره رژیم محمد رضا شاه محول نموده است.

رژیم ایران عهد و داراین نقش نامیمون در حوزه خلیج فارس است. درآمد هنگفت دو سال اخیر رژیم حاصل از افزایش بهای نفت، امکانات بیسابقه ای برای اجرای این سیاست ایجاد نموده است. گستاخی و بلند پروازی شاه تا باین حد رسیده است که نه تنها خلیج فارس و دریای عمان بلکه حوزه اقیانوس هند را هم جزء حریم امنیتی رژیم خود میشمرد.

مجله اشترن منتشره در آلمان فدرال در شماره ۵ مارس ۱۹۷۵ خود نوشت که در سال ۱۹۷۵ شعاع دفاعی ایران یکباره از ۱۲۵۰ کیلومتر به ۲۵۰۰ کیلومتر بسط داده شد است. اگر در نظر بگیریم که این "دایره دفاعی" مجموع شبه جزیره عربستان، سوریه، عراق، ترکیه و افغانستان و بخشی از حبشه و سودان و نیبی از خاک مصر، نیبی از پاکستان و هندوستان و حتی قسمتی از خاک اتحاد شوروی تا مسکو را در بر میگردد، آنوقت ماهیت این سیاست جنون آمیز بهتر پی میبریم.

البته میتوان در نظر اول این نقشه نظامی را با توجه به وسعت دامنه آن و امکانات واقعی رژیم بمثابة تراوشات يك مغز بیمار تلقی نمود و نسبت به آن بی اعتنا بود، روشی که بهیچوجه مجاز نیست، زیرا اقدامات و تدابیر مشخص رژیم، به ویژه در دو سال اخیر، حاوی فاکتورهای جدیدی است، حاکی از تازاندن چهارنعل کشور بسوی یسک قهقرای فاجعه زا.

رژیم شاه در سال ۱۳۵۴ پنجاه درصد بودجه کشور را و در حدود ۱۶ درصد تولید کشور را به هزینه های مستقیم و غیرمستقیم نظامی اختصاص داده است. برای روشن تر کردن موضوع مقایسه دیگری بعمل میآوریم. در همین سال به هر فرد ایرانی بابت هزینه های نظامی ۲۳۵ دلار تحمیل شده است و در حالیکه به هر یک از اهالی کشورها

اروپائی عضو ناتو برهمنای مخارج نظامی سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ دلار تعلق میگیرد و با توجه به اینکه سطح زندگی در این کشورها ۴ - ۳ برابر بالاتر از سطح زندگی در ایران است.

بوسیله این مخارج هنگفت و بی سابقه شاه ایران ارتش ۲۵۰۰۰۰ نفری خود را با مدرن ترین سلاح ها ساخت آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی تجهیز نمود و تکیه گاه مطمئنی برای ایفای نقش خود بمثابة ژاندارم پاسدار منافع امپریالیسم در منطقه مهیبا نموده است. شاه چندی پیش طی یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه مصری الاهرام گفت: " ما برای سرگرمی اسلحه نمیخریم " و " در امور سیاسی جزئیات را نمیتوان مطرح کرد ". در اینکه شاه برای " سرگرمی " اسلحه نمیخرد تردیدی نیست و ولی آن جزئیاتی " که شاه از طرح آن خود اری نمود عبارتند از :

۱ - ارتش شاه مدتی پیش ازد و سال است که بخاک عمان تجاوز نظامی نمود و یکمستار دستجمعی مردم آزادیخواه این سامان پرداخته است. شاه ایران در همکاری با امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی کوشش میکند جنبش آزادیبخش عمان را سرکوب کرد و پارگاہ استبدادی قرون وسطائی قابوس را حفظ کند ولی علیرغم یورش های مجدد نیروهای مشترک ارتجاع و امپریالیسم و هارت و پورت های میان تهن رژیم هجسه خلقی برای آزادی عمان نه تنها تا بحال مواضع خود را حفظ نموده بلکه در طی چند ماه اخیر موفق به زد ن ضربات جدی بر نیروهای دشمن گردیده و تعداد قابل توجهی از سربازان و افسران ایرانی را بهلاکت رسانده با از صفوف جنگی خارج کرده است. شاه بجای اینکه از این تجربیات عبرت گیرد به با لجاجت در ادامه تجاوز خود عناد میورزد و بدین سان روز بروز بر تعداد جوانان ایرانی که این ضحاک زمان از خون آنها تغذیه میکند افزوده میگردد.

۲ - شاه بمثابة دلال اسلحه تعداد زیادی هواپیما های جنگی در اختیار رژیمهای خود فروش و دستنشانده امپریالیسم از زمره اردن و ویتنام جنوبی (قبل از پیروزی ارتش آزادیبخش بر سایگون) میگردد و در مواردی تامین بخشی از سوخت ماشین جنگی وان تیور با بعهده گرفت. شاه با سرسختی با اندیشه سیستم امنیت دستجمعی آسیا مخالفت میورزد و با آن علیرغم تأیید رسمی خصومت میورزد و برای جلوگیری از تحقق آن از هیچگونه اقدام و دسیسه ای روی گردان نیست و با بسا لوسسی و انبانی مملو از دلار بدوره گردی میرود و سعی میکند با استفاده از پول کشورهای نیامندی از قبیل بنگالندش و هندوستان را در اطراف یک محور ضد صلح و کاهش و خامت مجتمع سازد.

۳ - شاه از هیچ نوع عمل و اقدامی برای سد نمودن روند تخفیف و خامت در مناسبات کشورهای شبه قاره هندوستان امتناع نمیورزد و با فرستادن خواهرش اشرف و چاپارهای از زمره ارتشبد خانی به پاکستان میکوشد علی بوتو را در محدود کردن

حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم پاکستان^۱ و سرکوب نمودن جنبش خود مختاری بلوچستان ترغیب و تشویق نماید *

۴ - شاه سعی میکند مجدداً به لاشه نیمه جان پیمان سنتو جان تازه ای بدمد و برای وصول به این هدف کوشا است از جانیی تعهد سست شده پاکستان و ترکیه رابا توسل به شیوه های تهدید و تطمیع مجدداً تحکیم نماید و از سوی دیگر در مانورهای مختلف این بلوک تجاوزکار فعالانه شرکت میجوید *

۵ - شاه در حالیکه عوامفریبانه مخالفت خود را با حضور نیروهای دریائی "کشورهای بیگانه" در آبهای اقیانوس هند ابراز میدارد، همبشمرمانه از ایجاد پایگاه اتمیک و موشکی امپریالیسم امریکا و انگلیس در جزیره دیگو گارسیا جانبداری میکند و مانورهای دریائی امپریالیسم امریکا را در اقیانوس هند و ورود ناوگانها را بدریای عمان و خلیج فارس ضرور میشمرد *

۶ - شاه میکوشد از کشورهای ساحل خلیج و منطقه تحت عنوان مختلف دسته بندی های نظامی جدید خادام امپریالیسم دست و پا کند و خود بعنوان رهبر در رأس آن قرارگیرد. نقشه ای که تابحال بعلمت رقابت بین شاه و سران عربستان سعودی بر سر نقش رهبری تحقق نیافته است *

۷ - شاه برای سرنگونی رژیم مرفعی عراق از هیچ اقدامی از قبیل تحریک همداخله و تجاوز امتناع نورزید. سیل اسلحه، جاسوس و کارشناس نظامی به کردستان عراق روانه ساخت و با تقویت جناح ارتجاعی رهبری کرد سعی کرد از جانیی جنگ و خونریزی برادرکشی را باهدف نهائی سقوط دولت عراق برافروخته نگه دارد و ازسوی دیگر از تحقق اصل خود مختاری برای خلق کرد عراق و تأثیر آن در کردستان ایران جلو گیری کند. او در طی سلطه شوم ۳۵ ساله اش بارها به ندای حق طلبانه خلق کرد بسا آتش و گلوله پاسخ داده و دست فرعونیش تا مغز به خون هزاران مبارز کرد آلوده است؛ او برای توجیه مداخلات و تحریکات خود عوامفریبانه از "همزادان آریائی" و بحق بودن خواسته های "خلق کرد" سخن میگفت.

هـ
موافقت اجباری اخیر رژیم به حل و فصل اختلافات با جمهوری عراق از طریق مذاکره شایسته گویائی است بر شکست مفتضحانه سیاست شاه در مورد عراق و گواهی است بر اینکه شاه مستبد ایران فقط درحالتی حاضر است واقعیت سرسخت و شکاف بین اهداف و امکانات خود را درک کند. و به پذیرد که اربابه جنگی اش باین بست مطلق مواجه شود *

در کلیه اجزاء سیاست نظامیگری رژیم صرفنظر از تنوع آنها میتوان یک عنصر اساسی را مانند رشته قروزی مشاهده کرد و آن نیز عبارت است از خصومت و کینه بهیمی شاه نسبت به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و نهضت های نجاتبخش ملی کسبه عبارت است از حمایت بی چون و چورا و بلا شرط وی از سیاست سیطره جویانه امپریالیسم جهانی اصلی که خود شاه نیز منکر آن نیست و بارها در موارد مختلف با وضوح و

و روشنی کامل ابراز و اعلام داشته است. ولی در عصر ما که دوران تغیر تناسبهاست نیروهای ضد امپریالیستی مصلح و سوسیالیسم و بزبان نیروهای جنگ و امپریالیسم میباشند. در عصری که به برکت سیاست اصولی اتحاد شوروی و دیگر کشورها سوسیالیستی و مترقی جهان اصول همزیستی مسالمت آمیز به مثابه تنها اصول ممکن مناسبات بین کشورهای دارای نظام مختلف اجتماعی بیش از پیش راه خود را باز میکند. در عصری که خلق های جهان با مبارزه گسترده خود هر روز ضایعات سنگینتری بر پیکره امپریالیسم و ارتجاع وارد میکنند، بطور یقین سیاست نظامیگری شاه به ناکامی و شکست خواهد انجامید.

خلق های کشور ما میتوانند با تشکل و وحدت و مبارزه خود علیه رژیم خود سر پهلوئی نه تنها این روند را تسریع و با سقوط رژیم شرایط لازم و ضرور را برای رفاه و ترقی و تعالی کشور ایجاد کنند، بلکه سهم انترناسیونالیستی خود را در قبال جنبش های آزاد بیخوش و ضد امپریالیستی جهان نیز ایفاء نمایند.



اظهارات وزیر خارجه چین در تهران

راد یو تهران در برنامه ۱۵ ژوئن ۱۹۷۳ خود اظهارات حی بنک فی وزیر امور خارجه چین را چنین نقل کرده است :

"اکنون اوضاع منطقه خلیج فارس توجه همه را بخود جلب کرده است. تشدید فعالیتهای توسعه طلبانه، اعمال نفوذ و مبارزه بعضی قدرتهای بزرگ، صلح و امنیت منطقه را شدیداً به خطر انداخته است. ایران یکی از کشورهای مهم خلیج فارس بشمار میرود. نگرانی شما از چین و منشی، طبیعی و منطقی است. ما همیشه معتقدیم که امور یک کشور با بد توسط مردم خود آن کشور و امور یک منطقه با بد توسط کشورهای مورد خرید آن منطقه و امور جهان توسط تمام کشورهای جهان اداره شود. ایران و کشورهای دیگر از کشورهای کناره خلیج فارس طرفدارانند که امور منطقه خلیج فارس با بد بوسیله کشورهای کناره خلیج فارس اداره شود و مخالف مداخله خارجی هستند. این یک خواست عادلانه است. ما قویاً از آن پشتیبانی میکنیم. همانطور که اعلیحضرت شاهنشاه فرمودند، اوضاع شرق و غرب ایران، اختطار بسیار جدی برای ایرانست. یاد رنظر گرفتن وضعی که در این منطقه بوجود آمده، این کشور با بد نیروی تدافعی خود را تقویت کند. ایران برای حفظ امنیت استقلال و حاکمیت خویشی اقداماتی جهت تقویت نیروی تدافعی خود اتخاذ نماید. این کاریست ضروری و قابل فهم..."

سازمان جاسوسی سیا و پرتغال

روزنامه سوئدی Dagens Nyheter که از هواداران الاف پالمه نخست‌وزیر سوئد است، در شماره ششم سپتامبر خود مقاله‌ای درباره فعالیت "سیا" در پرتغال منتشر کرده است.

ما که از بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲، روز کودتای "سیا" علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق و ساقط کردن او و بازگرداندن شاه فراری از ایتالیا بایران آشنا هستیم و عواقب آن را بچشم دیده ایم و می‌بینیم شاید بهتر از هرکس دیگر بدانیم که خلق پرتغال امروز چه مرحله دشواری از تاریخ خود را میگذراند و تاچه حد به پشتیبانی مردم دمدمکرات و آزاده جهان نیازمند است.

در زیر ترجمه مقاله با مختصری تلخیص بنظر خواننده گرامی میرسد :

جنبه‌ای که تاکنون در مباحثات جاری در سوئد، راجع به پرتغال بکلی از نظر دور مانده، جنبه قدرت بزرگ سیاسی بین‌المللی است. در مورد جریانات پیچیده پرتغال، که داوری را در مورد آن دشوار میسازد، در مورد کمیته‌های خلق بحرانی اقتصادی، تضاد بین احزاب و در داخل نیروهای مسلح و غیره سخن بسیار گفته شده است. ولی راجع تاثیرات علائق خارجی بر این جریانات بمراتب کمتر گفته و نوشته شده است. کدام علائق مالی بین‌المللی هستند که میکوشند تا روند انقلابی کوتی را در پرتغال متوقف سازند؟ چه شیوه‌هایی بکار برد می‌شود و هدف آنها چیست؟

از مدتها پیش روشن است که عمال علائق استراتژیک و اقتصادی که مواضع خود را در پرتغال و آفریقا در خطر می‌بینند، در حال حاضر بشدت مشغول اقدامات ضد انقلابی هستند. ولی تاکنون دلائل قاطعی در این مورد در دست نیست.

در این اوضاع و احوال فلیپ آگی Philip Agee که در گذشته بعنوان عامل "سیا" دوازده سال در کشورهای امریکای جنوبی خدمت کرده و نویسنده کتاب Dagbok fran CIA، که بسیار مورد توجه قرار گرفته است، فعالیت‌های "سیا" را در پرتغال مورد پژوهش بیشتری قرار داده است.

آگی از آغاز، سیر انقلاب پرتغال را بدقت دنبال کرده و برای انجام تحقیقات وسیعتر دوباره آن کشور سفر کرده است. گزارش او درباره پرتغال اخیرا در روزنامه داننگلر "انفرماسیون" منتشر گردید.

آگی مدعی است که وی هرروز شاهد فعالیت‌های ضد انقلابی از نوعی که خود او مدت زیادی در امریکای لاتین برای "سیا" کرده‌هست، این فعالیت‌ها تا درون

کلیسای کاتولیک، احزاب سیاسی، جنبش اتحادیه کارگری و جنبش نیروهای مسلح گسترش می یابد. بطوریکه آگی اظهار می دارد هدف این فعالیت ها ایجاد هرچه بیشتر بیسامانی و آشفتگی و تدارک مقدمات برای کودتا نظیر کودتای شیلی در پرتغال است. نمایندگی سیاسی و رسمی آمریکا در پرتغال بطور غیرطبیعی بزرگ است و شامل ۲۸۰ نفر میگردد. ۱۶۰ نفر از این عده اتباع آمریکا و بقیه پرتغالی هستند. صد و پنجاه نفر از امریکائیان جز "کارمندان نظامی هستند که کار اصلی شان رای زنی در امور نظامی است و بعنوان

در خدمت آژانس نظامی و فرماندهی ناتو هستند.

طبق اظهارات آگی ۱۰ نفر از ۵۰ نفر از دیپلماتهای غیرنظامی سفارت آمریکا کار "سیا" هستند. مضاف بر این حداقل ۱۰ نفر دیگر از عمل "سیا" در لیسبون و دیگر شهرها مشغول فعالیتند که بدلیل امنیتی نام آنها در فهرست کارمندان سفارت آمریکا ثبت نشده است. احتمالا تعداد نامعلومی از دیگر عمل "سیا" نیز بسا هویت های جعلی در واحد های نظامی آمریکا در پرتغال جای داده شده اند.

بطوریکه آگی اظهار می دارد نمایندگان "سیا" در دیگر سفارتخانه های آمریکا در اروپا بخصوص در مادرید، پاریس و لندن در رابطه با پرتغال وظایف و فعالیت های متفاوتی بعهده دارند.

آگی نام عده ای از افراد برجسته "سیا" را در پرتغال به انضمام درجه آنها و وظایف که بعهده دارند ذکر میکند. معلوم میشود که هم رئیس و هم معاون "سیا" بسا عملیات ضد انقلابی در امریکای لاتین سرورکار داشته اند. جان مورگان رئیس مجلس "سیا" در پرتغال از سال ۱۹۶۶ - ۱۹۶۶ در برزیل و از ۱۹۷۳ - ۱۹۷۰ در اروگوئه حضور داشته و مسئول اشکال گوناگونی از جنگ های اقتصادی متفرقه اندازی و قتل های سیاسی بوده است.

"سیا" چه نوع فعالیت هایی در پرتغال میکند ؟

آگی معتقد است مهمترین وظیفه آن نفوذ در درون جنبش نیروهای مسلح، کسب اطلاع از نقشه ها، نقاط ضعف و تناسب درونی قدرت در بین آنهاست. عناصر باصطلاح میانه رو که نسبت به علائق استراتژیک غرب علاقه نشان میدهند شناسائی میشوند و از هر نوع کمک قابل تصویری برخوردار میگردد. اطلاعاتی که "سیا" از این طریق بدست میآورد برای تبلیغات در داخل و خارج از کشور و ایجاد نفاق در درون نیروها مسلح و ضعیف کردن آن مورد استفاده قرار میگیرد و انتشار می یابد.

پخش دیگر شیوه هایی که مورد استفاده قرار میگیرند عبارتند از: انتشار اسناد جعلی و شایعات، ایجاد اغتشاش و ضد خوردن، دامن زدن به اختلافات و تضاد های موجود در جامعه. هدف نهایی آنها کمک به میانه روها "و تحت کنترل درآوردن جنبش نیروها"

مسلح و سازمانهای سیاسی است.

همانطور که ملاحظه میشود اطلاعات آمریکا از درون قدرت جنگی پرتغال اهمیت ویژه‌ای دارد. از سال ۱۹۵۹ به بعد ۳ هزار نفر از نظامیان پرتغال در مدارس عالی نظامی آمریکا آموزش دیده‌اند. هر یک از این افراد پرونده مخصوصی دارد که در آن راجع به شخصیت، نظریات سیاسی، موضوعات مورد علاقه و اگر امر نقاط ضعف او اطلاعات دقیقی جمع‌آوری شده است. هم اکنون بسیاری از این افراد به‌عنوان رابط و گزارشگر در درون نیروهای مسلح پرتغال برگزیده شده‌اند. وظیفه آنها ایجاد روابط نزدیک با تعداد هرچه بیشتری از اعضای جنبش نیروهای مسلح است.

"سیا" درست مانند زمان بعد از جنگ جهانی دوم که در جنبش بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری انشعاب ایجاد کرد. حال هم میکوشد در جنبش اتحادیه کارگری پرتغال اینترسندیکال، از طریق ایجاد اتحادیه کنگد راسیون بازرگانی آزاد انشعاب کند. دو نفر از اعضا برجسته اتحادیه کارگری آمریکا که با "سیا" رابطه دارند اخیراً از پرتغال دیدن کردند. هولی چنین بنظر میرسد که تاکنون نتوانسته‌اند برای خود جا پاهائی در درون اینترسندیکال (اتحادیه واحد کارگران پرتغال) پیدا کنند.

کلیسای کاتولیک یکی دیگر از اهداف استراتژیک "سیا" است. آگی از "یک منیع موثق در واشنگتن" کسب اطلاع کرده است که "سیا" در حال حاضر مبلغ زیادی پول بسوی کلیسای کاتولیک سرازیر کرده و تا به این زمان از دربارزه علیه انقلاب کمک کند. گرچه آگی در مورد این نکته که تشدید فعالیت اخیر کلیسای پرتغال از طریق برگزاری تظاهرات و جلسات، که بخصوص در شمال کشور تغییر ماهیت داده و کاملاً به وسیله برای تعقیب چپ‌ها تبدیل شده است، با کمک‌های مالی گزاف آمریکا چه رابطه‌ای دارد، سخنی نمی‌گوید، لکن بسهولت میتوان آنرا حدس زد.

بنظر آگی هدف کارزاری که علیه پرتغال در خارج از کشور آغاز شده اینست که افکار عمومی آمریکا و غرب را چنان آماده کنند که ضرورت دخالت در این امر و روی کار آمدن یک حکومت نظامی راست‌گرا و کاملاً شدیداً العمل را بپذیرد.

همانطور که در طی کارزار علیه شیلی نیز مشاهده شد، جنگ اقتصادی و آن وسیله‌ای است که باید موجب سلب حمایت دفاعی مردم از دولت گردد. در طی این جنگ اقتصادی موسسات مالی بین‌المللی با ندادن اعتبار و دیگر کمک‌های مالی سبب میگردد تا پیدایش معضلات سخت اقتصادی لطمه شدیدی به طبقه کارگر و طبقه متوسط بزنند و در این رابطه سرمایه‌گذاری خصوصی متوقف میگردد. تماس‌های بازرگانی بتأخیر می‌افتد و یا قطع میشود و بیکاری و تورم فزونی می‌یابد. در حالیکه تبلیغات خارجی گناه اینها را بگردن خواستهای "غیرواقعیانه" کارگران و ضعف عمومی دولت

میگذارد. در داخل کشور نیز افکار عمومی در این جهت آماده میشود که از يك حکومت نظامی کارآمد که برای حفظ حیثیت، وحدت و انضباط ملی فرستاده میشود باید استقبال گردد.

البته در تصویری که فیلیپ آگی از فعالیت های امروزی "سیا" در پرتغال ترسیم میکند میتوان نکاتی را در برابر سوال قرار داد. بخصوص که وی مثلاً دلیلی برای اثبات تصوراتش درباره آینده عرضه نمیکند. معضد اظهارات او را باید کاملاً قابل اعتماد دانست.

فعالیت سابق آگی در "سیا" موجب گشته که وی اطلاعات بی نظیری درباره شیوه ها و راههای عمل این سازمان داشته باشد. گزارش او در عین حال حاکی از آن چیزی است که بسیاری حدسش را میزنند باین معنی که "سیا" و کاپیتالیسم بین المللی يك خطر جدی برای "میرتکامل سوسیالیسم در جامعه پرتغال است".



شاه و اربابانش و نوکرانش!

"در سالهای ۶۰ یکی از ماموران دولت کندی با شاه ملاقات کرد تا وی را به ایجاد يك دفتر بودجه یادستگاه منظم عقلانی شبیه به آن تشویق کند. این مامور برای شاه استدلال کرد که شاه بعنوان تنها منبع قدرت در معرض خطر جدی گلوله يك سو قصد کننده است. و شاه باید قدرت را با دیگران تقسیم کند و به حکومت خود پایه وسیعتر و ثابت تری بدهد تا بدین وسیله خطر کودتا را رفع کند. این مامور توضیح نداد که ایجاد چنین دستگاه اداری چه نتیجه ای در تقسیم قدرت میتواند داشته باشد."

شاه میبایست احساس کرده باشد که این توصیه دوستانه ای از جانب حامیان اوست. چون بجای اینکه به شیوه دیپلماتیک به این توصیه پاسخ مثبت بدهد، وی در عمل هیچ کاری نکند، هزنگ زد. در باز شد و یکی از ماموران عالیرتبه تعظیم کنان، چاکر شش و خاضعانه وارد گردید.

شاه پرسید: "شما از من انتظار دارید که قدرت را با این تقسیم کنم؟"

(بنقل از مجله امریکائی Harper's نوامبر ۱۹۷۴)

طرد مائوئیسم از جنبش دانشجویی ضد امپریالیستی

قانونمند است

مائوئیست‌های ایرانی ده سال پیش با ادعاهای ظاهر فریب انقلابی پا بیدان گذاشتند
آشفتن افکار دانشجویان کوشیدند *

کم‌تجربگی بخشی از دانشجویان جوان برای مائوئیست‌های خام فریب‌گرم خوبی بود.
این بخش از دانشجویان جوان که اغلب تازه از عذاب زندگی ساواک زده در ایران
گذشته بودند، از سوئی خود را در خارجه از شیطانگری‌های ساواک — بغلط —
در امان می‌انگاشتند و از سوی دیگر بخاطر زخمهای هنوز خون‌چکان روانی، مادم
انفجاری داشتند *

مائوئیست‌ها از این واقعیت سوء استفاده کردند و آنها را از راه اصلی مبارزات ضد
امپریالیستی و ضد دیکتاتوری منحرف کردند *

مائوئیست‌های ایرانی با کم‌عناصر ضد کمونیست و عمال سازمان امنیت، از زمره نیکخواه
لاشائی، فولادی، عیاسی و پارسا نژاد سیاست ضد توده ای و ضد شوروی را که ما لا
چیزی جز اتنی کمونیسم نیست، به سازمانهای دانشجویی وابسته به کمفدراسیون تحمیل
کردند *

سقوط ارتدادی و خیانت آمیز مائوئیست‌ها به آن حد رسید که به قتل انقلابی شهید
پرویز حکمت جو توسط رژیم سیاه استبدادی محمد رضاشاهی و دستگاه فاشیستی ساواک
او صحنه گذاشتند * ولی آنها غافل از آنند که جنبش دانشجویی ایران با تکیه به
سنت‌های درخشان مبارزاتی خود تن به چنین سقوطی نمیدهد و حساب خود را از
مرتدین جدا میکند *

در سالهای اخیر انفراد مائوئیستهای ایرانی "توفان" و "ستاره سرخ" هر روز با سر
بیشتر ادامه دارد *

پشتیبانی مائوئیست‌های پکن از ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی، همانند گروه جکسن
و گروه اشتراک و دست‌نشاندها، نشان‌گانسان، امثال محمد رضاشاه و پی‌نوشه، همکاری وسیع
بین المللی آنها با محافل امپریالیستی چه در سطح اقتصاد — مثلا ارسال سفیر
به بازار مشترک اروپائی — و چه نظامی — مثلا دفاع از ناتو و سنتو — مخالف با
جنبشهای رهائی بخش — از جمله تأیید سرکوب جنبش آزادیبخش عمان توسط رژیم ضد
ملی و ضد دمکراتیک شاه — و پشتیبانی از سیاست‌خانه برانداز نظامیگری شاه خائن
از طرفی و همچنین خیانت آشکار سران مائوئیست ایرانی امثال لاشائی، نیکخواه و

دیگران و دفاع پنهان و آشکار مائوئیستهای ایرانی از رژیم از طرف دیگر موجب شد که آن بخش از دانشجویان ایرانی در خارج از کشور که تحت تاثیر مائوئیسم قرار گرفته بودند قطع آخرین تسمه های وابستگی به مائوئیسم را آغاز کنند .

صحنه های زد و خوردی که بویژه مائوئیستهای "توفانی" و "ستاره سرخی" در سازمانهای دانشجویی وابسته به کنگد راسیون از جمله در کارلسروهه، مونستر، پاریس و غیره برآه انداخته اند، بدون شك روند طرد مائوئیستها را از جنبش دانشجویی خارج از کشور به مرحله قطعی و نهائی نزدیک کرده است .

اری سقوط مرتد قانونمند است !

جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور از تجربه بدون افتخار مائوئیسم عبرت گرفته است .

محافل روشن بین و صادق دانشجویی جمع بندی و آموزش عمیق این تجارب، با بازشنا دوست و دشمن جنبش دانشجویی و نهضت ملی ایران، راه مشترک واقعی مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری شاه را هرروز دقیقتر و روشنتر می یابند و آنرا مشخصتر میکنند .

زند باد جنبش دمکراتیک و مترقی دانشجویان ایران !
تنگ و نفرت بر مرتدین و نفاق افکنان مائوئیست !

آفرین باد بر رزمندگان که از بیراهه مائوئیسم راه خود را بسوی مشی صحیح انقلاب ایران بازجسته اند !
سرنگون باد رژیم سیاه محمد رضا شاهسی !

پینوشه : روابط صمیمانه با پکن

رئیس رژیم نظامی فاشیستی درشیلی پینوشه، در یک مصاحبه با روزنامه "آل مرکوره" در سانتیاگو اظهار میکند " دولت من بدون تردید ضد کمونیست است، ولی این ما را از آن منع نمی کند، که با چین توده ای مناسبات صمیمانه داشته باشیم " .
پینوشه این مطلب را برجسته کرد که رهبران مائوئیستی در چین توده ای " تفاهم" برای سیاست قدرتمندان کنونی درشیلی نشان داده اند .
با رضایت خاطر پینوشه میگوید در پکن " دکترین مارا منخ" نمیکنند " .

نقل از : نویس دیچلاند ۲۵/۶/۴

عارضه قلبی امپریالیسم

آمریکا يك دروغ غول آسا است .
بدیهی است که منظور از این سخن کوه و دشت آنجا نیست بلکه نظام اجتماعی آن ،
یعنی سرمایه داری و واپسین مرحله آن ، امپریالیسم ، مراد میشود .

آمریکا که داعیه رهبری تمام جهان ، یا حداقل " جهان آزاد " را دارد ، در گداز
مادی و معنوی غوطه میخورد . زر ورق های دروغ که بر در و دیوار پوسیده خود می
چسباند ، دیگر قادر به پرده پوشی انحطاط و زوال نیستند .

این سرنوشت سرمایه داری است که دیوانه وار و اسیر شهوت سود جویی در جهت
مخالف زمان ، یعنی در جهت مخالف منافع خلق های بیدار شده ، جهان تقلا میکند .
در بیراهه خود هنوز از چاله ای در نیامده به چاهی میفتد . با هر گامی که برمیدارد
مشکلی بر مشکلات خود می افزاید . شقاوت و بدبختی را تنها بر سر خلق های بیگانه
فرو تیریزد ، بلکه بر خودی هم ابقا نمیکنند . از " هر مسام پیکر خودش خون و چرک
بیرون میزند "

بعنوان نمونه نیویورک ، این قلب امپریالیسم را بنگریم !
خبری که چند هفته پیش از اوضاع نیویورک پخش گردید چنین میگوید : آتش نشانی
بدترین شبی را گذراند ، که بخاطر داشت : از کوچه و خیابانهای ته شهر دود غلیظ
و متعفن برمیخاست و تمامی این محله شهر در نوری شبح ناک غوطه میخورد .
بخش زباله بری شهرداری اعتصاب کرده بود و سکه شهر از لاعلاجی زباله شان را و
خیابانها تلنبار کرده و آتش زده بودند . در این اثنا چند خانه متروک هم آتش زد
شدند . اتومبیل های آتش نشانی در این شب بیش از ۲۰۰ بار بحرکت درآمدند .
محله سیاه نشین حالت انفجاری داشت . چیزی به عصیان نمانده بود . وسط خیابان
ها حاویل و سنگر درست کرده بودند .

شهردار نیویورک يك هفته قبل ۱۹۰۰۰ تن از کارمندان شهرداری را بعلت کسر
چند میلیارد دلاری بودجه اخراج کرده بود (سه هزار مامور زباله بری مینج هزار
پلیس ، پانصد کارورز اجتماعی ، دوهزار و ششصد کارمند آتش نشانی و غیره) . شهر
دچار بلبشو شده بود و تا بلوا راه زیادی نداشت . افراد اخراج شده پلیس روی
بروکلین جمع شده و کارتجری و تجاسر را بحد افراط رسانده بودند . در بروکنس
پلیس و سکه دست به یقه شدند . متجاوز از ۵۰ تن زباله گندیده در پیاده روها و
در حرارت تابستان به شدت شهر را بخطر انداخته بودند . شهردار مالیات را بالا
برد ، و ولی کمیود بودجه خیلی بیشتر از آنستکه بتواند با ۲۶۰ میلیون دلار از اضافه

درآمد مالیاتی چال چوله های آنرا پرکرد . او بزودی مجبور خواهد شد بازهم تعداد بیشتری را اخراج کند .

روزنامه نیویورک تایمز طی یک همه پرسی معلوم کرد که ۷۵ درصد اهالی نیویورک از اداره شهر بشدت ناراضی اند . مردم میگویند این شهر دیگر قابل اداره نیست و چیزی به سگه اش نمانده .

اینست سرنوشت قلب امپریالیسم .

شاید بگوئید نیویورک وضع استثنائی دارد . چنین نیست ! شهردار های ایالات متحد آمریکا اخیرا در کنگره خود در شهر بوستون اوضاع مشابه و وحشتناک خود را تشریح کردند و دسته جمعی از دولت خواستند مخارج نظامی را تقلیل دهد و پول آنرا صرف بهسازی شهر ها کند .

اینست امریکائی که جارچیان شاه از هزار راه مستقیم و غیرمستقیم ، مرئی و نامرئی دلربا و سروری آنرا بما میخوانند تلقین کنند .

شاه چرا آمریکا را معبود خود کرده است ؟ او چشته خور خوان نعمت امپریالیسم است . او تاج و تخت فکمنی خود را روی خروارها اسلحه و مهمات آمریکا گدشته و با دلار های خون آلود گذران میکند . او چه غم اینرا دارد که سگه نیویورک ، تهران ، تبت یا ساری در چه دود و کثافت ویی نظمی زندگی میکنند .

امپریالیست ها و نرجه هاشان با چشمهای وق زده و دستهای از حرس مرتعش بد نبال منفعت میدوند ، برای یک دستمال فیظریه هارا آتش میزنند . شهرها ، کشورها و خلق ها را آتش میزنند . جنگلهای ویتنام را برگ زدائی میکنند ، برای ایران کمر بند مرگ میکشند و نقشه سرزمین سوخته طرح میکنند .

ولی قرن ما قرن بیداری خلق ها است . دژهای استعمار و استثمار یکی بعد از دیگری فرو میریزد . شهرها ، روستاها و خلق های جهان جوانی و شادی را از سر خواهند گرفت . کابوس امپریالیسم مثل دود در هوا پراکنده خواهد شد .

پیسکار کنیم برای تحقق هرچه زودتر آزادی و نابودی هرچه زودتر امپریالیسم !

کاهش قدرت خرید دلار ۱۰۰ = ۱۹۵۰



گزارش فعالیت‌های افشاگران در خارج از کشور

جوانان و دانشجویان دمکرات ایران



آرمان

نشریه دبیرانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

شماره (شماره ۲)

آرمان

LES TMOIGNAGES DES JOURNALISTES FRANCAIS EN IRAN

et

L'OPINION D'UN AVOCAT

کواهی روزنامه ناران و اخبار نظریه و عمل دادگستری فرانسوی

در باره ایران

SEPTEMBRE 1975

ARMAN

Revue du Bureau Etranger de l'Organisation de la Jeunesse et
des Etudiants Démocrates Iraniens

در روز های ۱۴
۱۵ و ۱۶ سپتامبر
۱۹۷۵ جشن روز
نامه پر نفوذ هومانیته
ارنان حزب کمونیست
فرانسه بر نذار شد
• د بیرخانه خارجی
جوانان و دانشجویان
دمکرات ایران نیز در
این جشن شرکت کردند
جهت افشای کاری از
رژیم فاشیستی شاه و
موقعیت بسیار بد و
خطرناک زندانیان
سیاسی ضمیمه شماره
۳ آرمان را منتشر و
بین بازدید کنندگان
جشن توزیع شد که
مورد استقبال شدید
قرار گرفت •

عنوان این نشریه
کواهی روزنامه ناران
و اظهار نظریه وکیل
دادگستری فرانسوی
در باره ایران است •

هموطنان جوانان ، دانشجویان! ضمیمه آرمان شماره ۳ را بدست آورید بخوانند
آنها بدوستانی که آشنائی بزبان فرانسوی دارند ، توصیه کنید •

بنابه ابتکار و فعالیت جوانان و دانشجویان دمکرات ایرانی در شهر هامبورگ (آلمان فدرال) «کمیته ایرانی و آلمانی تأمین حقوق بشر در ایران» اعلامیه زیر را انتشار داده است.

همچنین این کمیته در تاریخ ۶/۱۰/۷۵ نامه سرگشاده ای به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال کرده و در آن با تکیه به مطالب اعلامیه فوق خواستار دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران و حفظ جان زندانین سیاسی شده است.

هموطنان عزیز!

اطلاعاتی که اخیر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران از داخل زندانهای ایران بدست آورده حاکی از تشدید فشار رژیم فاشیستی شاه بر زندانیان سیاسی و این فرزندان راستین خلق و این قهرمانان در بند است.

آرمان‌نشریه دبیرخانه خارجی این سازمان، در شماره ۵ خود از آنجمله خبر میدهد که رژیم شاه از نوروز امسال از آزاد کردن زندانیان سیاسی ای که دوران محکومیتشان سپری شده خودداری میکند.

صابر محمدزاده، آصف رزم‌دیده، مضرقانی، جعفری، گودرزی، شریفی، فریدون پاکزاد، مرتضائی فرد و دکتر شیانی جزو کسانی هستند که بدستور مستقیم شاه، با وجود اینکه دوران محکومیتشان مدت‌بسی سپری گردیده، آزاد نمیشوند. علاوه بر این دکتر شیانی را با اینکه دوران زندان او مدت‌بسی پایان رسیده، بجای آزادی، اخیراً به شکنجه «کمیته» برده‌اند. همچنین قریب دو ماه قبل ناصر کاخساز و شکراله پاک‌نژاد را که دوران محکومیت خود را میگذرانند به «کمیته» برده و تحت شکنجه قرار داده‌اند.

هجوم بربرمنشانه و فاشیست مابانه دژخیمان رژیم آریامه‌ری به بندهای زندان و ضرب و جرح زندانیان بی دفاع نیز از جمله اخبار تکان دهنده ایست که یاد یگر چه‌ره ننگین جلاد را هرچه عریانتر برملا میسازد.

آرمان با استناد به اظهارات دادستان ارتش در مورد زندانیان سیاسی منجمله چنین مینویسد: «... ارتجاع ایران و در رأس آن شاه با شیوه فاشیستی که در کمتر کشوری سابقه دارد تصمیم به قتل یکایک زندانیان سیاسی ایران که روز به روز به تعداد آنها افزوده میشود، گرفته است. این رژیم جابر حتی احکام سلاخ خانه های نظامی خود را به رسمیت نمی شناسد... همه و همه این جنایات باری عظیم بر روی وجدان همه عناصر ضد امپریالیست و ضد دیکتاتوری و مترقی میهن ما سنگینی میکند»

و آنها را موظف میدارد یا تمام نیروی به تجهیز افکار عمومی جهان بپردازند تا
خطر جدی ای که جان زندانیان سیاسی ایران را تهدید میکند برطرف شود و دست
خونین جلاد کوتاه گردد.

"کمیته ایرانی و آلمانی تأمین حقوق بشر در ایران" با استناد به اخبار منتشره در
آرمان نامه سرگشاده ای به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نوشته ضمن تشویق
جنایات رژیم شاه و وجود ۴۰۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران، اشاره به تعداد
تیرباران ها (۵۰۰ تن در ۴ سال گذشته که رژیم فاشیستی فرانکو را نیز پشت سر
گذاشته) و بیان این حقیقت که همین "کمیته" سعیدی ها، نیکداودی ها، مغاری ها
و حکمت جوها را بقتل رسانده و هم اکنون جان ۴۰۰۰۰ زندانی سیاسی در معرض
خطر جدیست از این سازمان و همه نیروهای مترقی خواسته است که با همه وسائل
که در اختیار دارند شدیداً برای اجرای حقوق بشر در ایران مبارزه کنند.

از افشای جهانی شیوه های فاشیستی رژیم شاه پشتیبانی نمایند.
از سازمان های حقوقی بین المللی بخواهند که مجدانه برای تحقق حقوق بشر
در ایران فعالیت نمایند.

بدولت ایران و نمایندگی های آن در خارج علیه شکجه های بربرمنشانه و نابودی
زندانیان سیاسی شدیداً اعتراض نمایند.

در خاتمه نیز گفته شده است که نیروهای دمکراتیک ایران در مبارزه علیه دیکتاتوری
شاه به همبستگی همه انسان های مترقی نیاز مبرم دارند.

هموطنان! با تمام نیرو و با استفاده از تمام امکانات در بسیج افکار عمومی و قطع
دست جلاد از جان زندانیان سیاسی متحداً بکوشیم.

"کمیته ایرانی و آلمانی تأمین حقوق بشر در ایران"

با همکاری فعال جوانان و دانشجویان دمکرات ایران "کمیته ایرانی و آلمانی
تأمین حقوق بشر در ایران" فراخوانی برای جمع آوری دارو همراه با اطلاعات بسیار
جالب و غنی از مبارزات جبهه خلقی برای آزادی عمان و افشاحکومت فاسد و قرون وسطی
قابوس و همکاران متجاوز آن، از جمله شاه ایران، انتشار داده است.

به این فراخوان فهرستی از داروهای مورد نیاز رزمندگان ظفار نیز ضمیمه شده است.
دبیرخانه خارجی "اودیسی" به تمام هموطنان و جوانان و دانشجویان توصیه
میکند با پشتیبانی ماد، و معنوی از خلق مبارز و آزادی طلب ظفار نفرت خود را علیه
رژیم شاه و سیاست تجاوزکارانه اش اعلام دارند.

جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در شهر وین در جشن روزنامه فلکس اشتیمه (ارگان حزب کمونیست اتریش) که در روزهای تشم و هفتم ماه سپتامبر برگزار شد، نمایتگاه عدسی ترتیب دادند. در این جشن که بیش از صد هزار نفر شرکت کردند، هزاران نفر از نمایتگاه عدس جوانان و دانشجویان دمکرات ایران دیدن کردند. عکسها حاکی بودند از:

۱- سبزنجیر کشیدن، شکنجه و اعدام مبارزان راه آزادی :



۲- مقایسه خاندان منگور پهلوی غترق در الماس با سپاه فقر در ایران :





در چهره هزاران تماشاچی خشم حاکی از اینهمه جنایات رژیم فرعونى بخوبی نمایان بود . باز دید کنندگان ، که اغلب آنها کارگران و سایر زحمت کشان شهر وین بودند ، بعناوین مختلف همبستگی خود را با خلقهای ستمدیده و رزمند ه ایران ابراز میداشتند و تنفر خود را از ارتجاع اتریش ، که حامی شاه عامل امپریالیسم امریکا در ایران است ، آشکار میساختند . بسیاری از آنان با نام خسرو روزبه قهرمان ملی ما و صدق نخست وزیر قانونی ایران ، که صنایع نفت را ملی کرد و بدین سبب قربانی توطئه امپریالیسم شد ، آشنائی داشتند . نمایشگاه عکس جوانان و دانشجویان دمکرات در کنار غرفه مبارزین نیلی و پرتقال قرار داشت .

در مدت دو روز جوانان و دانشجویان دمکرات به افشاکری از رژیم جنایتکار شاه پرداختند . متن نامه اعتراضیه زیر از طرف شخصیهای سیاسی ، هنری ، ورزشی و مذهبی که در جشن شرکت داشتند امضاء شد .

" من رژیم شنجنگر شاه را محکوم میکنم و همبستگی خود را با مبارزه حق طلبانه میهن پرستان ایران اعلام میدارم - "

از جمله امضاء کنندگان عبارتند از :

Franz Muhri

فرانس موری (دبیر اول حزب کمونیست اتریش)

Erwin Scharf

اروین شارف (دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش)

Hans Kalt

هانس کالت (سرد پیرو مشرول روزنامه فولکس اشتیمه)

Herbert Berger

هربرت برگر (کشیش و مسئول کمیته همبستگی با خلق نیلی)

Arthur West

ارتور وست (نویسنده و روزنامه‌نویس)

میشائیل شارانگ ، تورینی ، پنی و پروفیسور هوگو هوبرت (از شعرا و نویسندگان نامی
 Michael Scharang, Penny, Hugo Huppert
 اطریش

Herbert Haiszan

هربرت هایزان (عضو تیم ملی اطریش)

Anton Hofer

آنتون هوfer (یکی از مسئولین سندیکای کارگران)

نمایشگاه عکس جوانان و دانشجویان دمکرات ایران مورد استقبال گرم سایر دانشجویان
 و جوانان ایرانی قرار گرفت .

دزارش فعاليتها در ایتالیا

در روزهای بین ۳۰ اوت تا ۱۶ سپتامبر جشن اونیتا (اربان حزب کمونیست ایتالیا)
 در شهر فلورانس برقرار شد . در این فستیوال بزرگ که احزاب و جنبشهای آزادی
 بخش از سراسر جهان در آن شرکت داشتند تمهیدای زحمتشان و مردم ایران نیز بکوش
 میرسید . غرفه روزنامه مردم غرفه " کمیته متحده برای دمکراسی در ایران " و غرفه مجسمه
 ساز ایرانی رضا الیا در سه نقطه محوطه جشن هریک بنوعی برای آشنا کردن مردم
 ایتالیا تدارک دیده شده بودند .

عکسهایی از شهیدان ، صحنه‌هایی از زندگی و مبارزه مردم ایران ، از تجاوز شاه -
 ژاندارم امپریالیسم در منطقه - به خفقان و مقاومت جبهه خلق برای آزادی عمان مجزوات
 متهد ، آثار نقاشان ایرانی و ایتالیایی و بحثهایی که از طرف جوانان و دانشجویان
 ایرانی بطور خستگی ناپذیر انجام میشد ، به شناساندن اوضاع ایران بدون شک
 کمک بسیار مهمی میکردند .

روز چهاردهم سپتامبر که برسم هرساله تظاهرات آخر فستیوال برقرار میگردد در
 صف ۱۰۰۰۰۰۰ نفری کمونیستها و دمکراتهای ایتالیا و دانشجویان



و جوانان دمکرات ایران نیز با شعارها و عکسهای از شهیدان شرکت کردند. در بین شعارها جملات "آزادی برای ۴۰ هزار زندانی سیاسی"، "ارتش شاه را از طغار خارج کنید"، "شکجه و اعدام بساست" و "سرنئون باد رژیم منفور شاه" بچشم میخوردند.

صف دانشجویان و جوانان دمکرات ایران در حین عبور بین انبوه کمونیستهای ایتالیا با ابراز احساسات صمیمانه روبرو میشد. آنها با مشت های گره کرده فریاد میزدند "آزادی برای ایران" شاه جلاد (Scia Boia) و بدین وسیله همبستگی خود را بار دیگر با مباحث حق طلبانه مردم ایران ابراز داشتند. روزنامه پرنفوذ



اونیتا در شماره ۱۵ سپتامبر جریان تظاهرات جوانان و دانشجویان دمکرات ایران را که تاثیر بسیاری در بینندگان گذاشته بود درج کرد.

* * *

در روزهای دوم تا پنجم سپتامبر نمایشگاه بسیار جالبی در جشن محلی روزنامه اونیتا در رم از طرف "کمیته متحده برای دمکراسی در ایران" برگزار شد که بدون شک در شناساندن اوضاع ایران و افشا "رژیم شاه" قدم بسیار مثبتی بوده است.

* * *

*

در روزهای ۲۳ تا ۲۸ سپتامبر دانشجویان و جوانان دمکرات ایران در جشن جوانان در رم شرکت کرده و نمایشگاه عکسی ترتیب دادند که مورد استقبال و بازدید عده زیادی از اهالی رم و بویژه جوانان قرار گرفت. جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در رم طی اعلامیه ای قانون آدمکشی اخیر (تغییر

قانون دادرسی ارتش، کشتار در ۱۵ خرداد و کارگران شاهی و دانشجویان در شهر بابل و سایر جنایات رژیم شاه را افشا کردند.

۴ در روز ۲۴ سپتامبر هفتمین یکی از دانشجویان دمکرات اعلامیه ضد رژیم را پخش میکرد مورد حمله عناصر وابسته به دروهک رهبری کننده فدراسیون ایتالیا قرار گرفت و مضروب دست. این عمل آنها در بین دانشجویان و کارگران ناهار خوری دانشگاه رم که در آنجا حاضر داشتند مورد نفرت و تقبیح قرار گرفت. پس از این واقعه اعلامیه ای که از طرف هته حزب کمونیست، هسته حزب وحدت پرولتری و سندیکا های کارگری امضا شده بود، خرابکاری و اعمال ضد دمکراتیک گردانندگان فدراسیون را محکوم کرده و اعلان میکنند که با تمام نیرو از حقوق دمکراتیک کلیه نیروهای ضد فاشیستی در محیط دانشنا دفاع خواهند کرد. پس از نقل قسمتهائی از اعلامیه دانشجویان و جوانان دمکرات ایران در رابطه با جنایات رژیم شاه، آنها پشتیبانی خود را از مبارزه مردم ایران اعلان کردند.

جریان این واقعه مذموم و موضعگیری نیروهای دمکراتیک مختلف در روزنامه آوانتی Avanti، ارگان حزب سوسیالیست ایتالیا مورخ ۲۷ سپتامبر و در روزنامه اونیتسا I'Unita ارگان حزب کمونیست ایتالیا مورخ ۲۰ سپتامبر درج گردید.

۴ موضعگیری نیروهای رم علیه این اوباشان و بریده روزنامه ها در این مورد از طرف دانشجویان فلورانس تکثیر و در ناهار خوری دانشا های رم و فلورانس پخش گردید. جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در رم بوسیله اعلامیه ای، نقاب از چهره این حامیان رژیم فاشیستی شاه برداشته و میهن پرستان را بمبارزه متحد و بی امان علیه رژیم شاه دعوت کرده اند.

بعلت اهمیت مسئله برای جنبش ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری آرمان این اصلاعه را میاورد

اطلاعیه

جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

در رم

بار دیگر عناصر گرداننده فدراسیون ایتالیا دست به عمل اوباشانه ای زدند. روز چهارشنبه ۲۴ سپتامبر آنان با مست ولگد (با منطق پان ایرانیستا) به یکی از رفقای دمکرات حمله کردند تا از پخش اعلامیه ضد رژیمی او جلوگیری کنند. اعلامیه ای که او پخش میکرد شامل محکومیت قانون جدید ضد دمکراتیک و آزادی ریای رژیم فاشیستی

شاه ، کشتار کارگران شاهی و دانشجویان باهل از طرف رژیم در رابطه با دستبرد جدید رژیم به حقوق حقه مردم بوده است . از جمله تکثیر و پخش اعلامیه که این عمل نیر باید با زندان ابد پرداخت شود .

جوانان و دانشجویان هموطن !

مدتیستکه دروهنگ گرداننده فدراسیون ایتالیا به چنین اعمالی دست میزند . همین امسال درست بعد از فعالیتهای پیروزمانده جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و اخراج بانده شعبان جعفری از ونیز ، سروکله گردانندگان فدراسیون پیدا شد که به تهدید جوانان و دانشجویان مذکور پرداختند . ایشان در مدت اقامتشان سعی نمودند فقط اعمال ضد دمکراتیک از قبیل پاره کردن اعلانهای دیواری ضد رژیمی و عکسهای شهیدان بپردازند . در ماه ژوئیه نیز یکی دیگر از دانشجویان دمکرات در سالن غذاخوری دانشنامه فلورانس به سبب نصب اعلامیه حاکی بر اخراج شعبان و همبستگی نیروهای مترقی ایتالیائی با مبارزه مردم ایران مورد ضرب و شتم آنان قرار گرفت اینان ضرب و جرح دانشجویان ضد رژیم را جایگزین مبارزه بی امان علیه رژیم فاشیستی شاه کرده اند .

سپس جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در اطلاعیه خود با فشارگری جنایتهای رژیم پرداخته و اعتلای مجدد جنبش ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در داخل کشور را که یکی از خصوصیاتش وحدت روزافزون نیروهای رزمنده علیه رژیم است ، متذکر شده و در خاتمه خطاب به دانشجویان چنین ادامه میدهند :

پس از افساء جنایتهای رژیم و اعتلای مجدد جنبش جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در رم در اطلاعیه خود دانشجویان را مخاطب قرار داده و مینویسند :

" لزوم اتحاد و همبستگی کلیه نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست خارجه از کشور نیز بیش از پیش احساس میگردد و لذا باید برای رسیدن به وحدت عمل بیش از پیش به کلیه نیروها امکان داد تا از فضای سیاسی موجود بهره برده و بتوانند نظریات و اندیشه خود را آزادانه ابراز نمایند . همه سازمانها را باید به مبارزه ضد رژیمی فراخواند تا در این روند بتوان به وحدتی سالم نائل آمد .

باید با هشیاری کامل همه نیروها را برضد رژیم فاشیستی ایران تجهیز کرد و عناصر تفرقه افکن و پروکاتورها شناخته از جنبش طرد نمود . اصل وجود نظریات متفاوت سیاسی و بنا براین وجود سازمانهای مختلف را پذیرف و برای وحدت عمل همه این نیروهای رزمنده کوشید .

پیروزیاد وحدت نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی
سرتنون یاد رژیم منفور محمد رضا شاه

آرمان و خوانندگان

آهنگ از کالیفرنیا مینویسد :
رفقای عزیز ، لطفاً به آدرس زیر نشریه آرمان را برای من ارسال دارید . در ضمن بنویسید
که جهت یکسال آبونمان چقدر باید پرداخت گردد تا فوراً ارسال دارم .
آرمان - دوست عزیزه از دریافت نامه شما متشکریم .

قیمت آرمان برای هر شماره ۲۰ سنت و در سال ۲۴ دلار امریکائی با اضافه مخارج
پستی یعنی ۳ دلار است . ضمیمه های آرمان که بمناسبت های مختلفی انتشار میابد
از این بودجه مستثنا است . تاکنون سه ضمیمه آرمان (چهره بی نقاب شاه ، حماسه
گل سرخی و گزارش یک وکیل دادگستری و خبرنگار فرانسوی درباره ایران) انتشار یافته
است که برای شما ارسال داشتیم .

از کمک های بیشتر شما برای رفع مشکلات مادی جهت گسترده کردن مبارزه افشاگران
نشریه آرمان ممنون خواهیم شد . وجوه را میتوانید به حساب نشریه آرمان ، که شماره
و محل آن در پشت مجله درج شده است ارسال دارید .

آقای پائیز از لیور مینویسد :
" مجله آرمان ، ارگان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران سلام مرا بپذیر .
خیلی متشکر خواهم بود که نشریات شما را دریافت کنم . مسلماً در شرایط فعلی
دانشجویان ایرانی مقیم خارج بهترین راه برای رشد آگاهی سیاسی جنبش دانشجویی ،
همکاری فکری و عقیدتی است و این چنین امر جز با مطالعه نشریات و بررسی آن
امکان ندارد

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران چه رابطه ی سازمانی با کنفدراسیون
دارد ؟ مستقل است و یا بخشی از آن ؟ "

آرمان - دوست عزیز ، ما نیز با عقیده شما موافقیم که در شرایط کنونی بهترین
ارمغانی که دانشجویان و جوانان مقیم خارج از کشور برای سرنگونی این رژیم استبدادی
و بیشتر از آن میتوانند توشه راه خود کنند ، مطالعه همه جانبه و دقیق مسائل اجتماعی
است تا بتوانند سره را از ناسره تمیز دهند . امیدواریم آرمان بتواند در حدود
امکانات خویش از عهده این وظیفه برآید .

در مورد سوال شما - سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران هیچگونه
رابطه سازمانی با کنفدراسیون ندارد . این سازمان در ایران مبارزات مخفی خود را
علیه رژیم فاسد شاه و علیه امپریالیسم در بین جوانان و دانشجویان سازمان میدهد .
" آرمان " نشریه دبیرخانه خارجی این سازمان و منعکس کننده افکار آن در خارج از

کشور است و میکوشد تا افکار عمومی جهان را علیه رژیم شاه برانگیزد و حمایت آنسرا از مبارزات حق طلبانه خلق ایران و بویژه دانشجویان جلب نماید .

آ - از اتریش :

نامه از يك جوان پرشور و بالقوه انقلابی است . او چنین مینویسد :

" دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران ضمن سلام و آرزو های پیروزمند انجبرای شما . . .

جوانی هستم که بتازگی از کشور عزیزمان به قسمتی از اروپا آمده ام و قرار است که اینجا کار کنم و در صورت امکان به تحصیل بپردازم .

از نظر ذهنی وضع مغشوشی دارم . چون تا این سن نتوانسته ام هدف مشخصی را برای مطالعه و زندگی پیدا کنم !! این را اشاره کردم که شما گردانندگان محترم آن سازمانها در نظر گرفتن شرایط روحی من ، مرا در جریان مطالب مورد علاقه ام گذاشته راهنمایی کنید تا به مطالبی که در محدوده ایران امکان مطالعه آن نیست آشنا شوم . مایلیم که در مورد مارکسیسم - لنینیسم و ماتریالیسم و دیالکتیک و از این قبیل آگاهی درست و سیستماتیکی داشته باشیم . در این راه سیر تکاملی این مطالب برایم اهمیت خاصی دارد . امیدوارم با در نظر گرفتن شرایط دشوار من که قادر به رفتن به کتابخانه و مطالعه نشریات مختلف شما نیستم ، مرا راهنمایی کنید .

ضمناً آشنائی و آگاهی به مکتب فلسفی بزرگ زمان ، یعنی مارکسیسم برای من که سالها بصورت يك علاقه و کجکاوی بوده است در این موقعیت هم براحتم میسر نیست ! چرا که فقط در خلوت خانه ام و ساعات آخر شب که از کار چند ساعته فارغ میشوم ، میتوانم به آن بپردازم . با در نظر گرفتن این شرایط منتظر راهنمایی های شما هستم ؟

آرمان - دوست گرامی !

مشکلاتی که شما در مورد مطالعه ادبیات مترقی و مارکسیستی در نامه خود بدان اشأ کرده اید بعلمت شرایط خفقان پلیسی و شیوه فاشیستی حکومت ایران برای کلیه مبارزان راه استقلال و آزادی ایران مطرح است . البته باید توجه داشت که در خارج از کشور بعلمت شرایط نسبتاً آزاد امکانات مناسبی برای دستیابی به نشریات مارکسیستی و مترقی فراهم است . از این لحاظ مبارزین ایرانی خارج از کشور موظفند و میتوانند با مراجعه به کتابغروشی هائیکه مطبوعات مترقی و مارکسیستی را - که در شهر مسکونی شما نیز موجود است - نشریات مورد نظر خود را تهیه کنند .

❖ کمک های رسیده ❖

بانو نانا ۵۰۰ مارک

زمان ۴۹ مارک بصورت تبر

توجه

مشاهده موفقیتی که از برگزاری نمایشگاه عکس زندانیان سیاسی و قهرمانان خلق ها و وضع زندگی مردم زحمتکش ایران در شهرهای مختلف اروپا نصیب دانشجویان دمکرات ایران گردید، ما را بر آن میدارد تا از تمام ایرانیان میهن پرست تقاضا کنیم که برای تکمیل کردن همه جانبه این نمایشگاه عکس، هرگاه عکس، فیلم یا مدرک مشابه دیگری از زندگی و مبارزه مردم ایران در اختیار دارند، برای آرمان بفرستند و از این طریق به افشاء رژیم ترور و اختناق و منعکس ساختن مبارزه عادلانه مردم ایران کمک کنند.

آرمان

با نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و

دانشجویان دمکرات ایران

همکاری کنید

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

شماره بانکی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

آدرس پستی

G. Sobich
Kreissparkasse Recklinghausen
Fil. Dorsten-Holsterhausen
Girokonto 1656974

Gustav Sobich
427 Dorsten
Friedenau 3
West-Germany

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran

Price: 0,50 DM or its equivalent in all other countries